

وب سایت استاد موسوی



تاریخ روز : ۰۸ / ۱۲ / ۱۳۹۸

تاریخ ثبت : ۲۱ خرداد ۱۳۹۵

عنوان : پیدایش کائنات

«بسمه تعالی»

پیدایش کائنات

همانگونه که در گفتارهای پیشین ذیل موضوع واجب الوجود بیان کردیم اکثر کتب فلسفی سرشار از مباحث فراوان در اثبات وجود خداوند متعال و شناخت ذات و صفات اوست. الهیون و محققان شرق و غرب عالم هر کدام از گذری به سوی دریافت واجب الوجود رفته اند، اما سخن از واجب الوجود، سخن از بی نهایتی است که هیچکس را به حقیقت و کنه غایتش راهی نیست.

برای نمونه الهیون به سراغ «وجود» رفته اند و درصدد بودند از طریق اتصال سلسله وجودهای عالم و کاوش در وجود و هستی های مطلق به صاحب وجود راه یابند. آنها از اتصال وجود یک درخت به ریشه آن، وجود ریشه به زمین، وجود زمین به دریا، وجود دریا به فلک، وجود فلک به عالم جبروتی و اتصال وجود عالم جبروتی خواستند به عالم لاهوتی حضرت حق راه یابند. یا برخی از طریق توجه به جسم و نیازهای جسم به فوق جسم یعنی ایجادکننده جسم اندیشیده اند، اما آنچه در این زمینه حائز اهمیت است این است که همه این محققان اعم از الهیون و کاوشگران در این وادی به حیرانی و سرگردانی افتاده اند.

چنانکه فرانسویس بیکن گوید: «نمیدانم چگونه ساخته و از مادر زاده شده ام. هرچه بیشتر جلو می روم بیشتر در می یابم که چیزی از مبادی اولیه نمی دانم.»

اما آنچه در این گفتار بیان می شود بخشی از سفر سوم اسفار اربعه عقلیه صدرایی در علم الهی است. حضرت ملاصدرا آغاز این سفر را با عبارت زیر آغاز می کنند: «الحمد لله الذی أنار بوجوب وجوده وجود الكائنات»، سپاس از خدایی که روشنایی بخش وجود او، وجود کائنات را اندام داد. (اسفار، ج 6، ص 2)

ایشان از لحظه نخستینی سخن می فرماید که نور حق به اراده تابش درآمد و هر آنچه نور بود به رقص جلوه درآمدند. چون آن نور در بعضی آفریده ها تابش نمود، جایی برای خیزش قشر نماند. این است که حضرت صدرایی نوای «الحمد» را در این بخش از نگارش خود سر داد. آری، در آن لحظه بی لحظه و در آن آن بی آن کائنات به نور و اندازه آمدند.

در اینجا پرسشی مطرح می گردد که مراد از «کائنات» چیست؟ در پاسخ باید بگوییم برای کائنات معانی متعددی ذکر شده است از جمله کهکشان ها، منظومه ها، آسمان و هستی های آسمان و سایر پدیده های حسی.

- در زبان محققان، کائنات جوّ لایتناهی است.

- گاهی هدف از کائنات کرات معلقه، کرات منیره و کرات جاذب و مجذوب اند.

- در جای دیگر هدف از کائنات را کرات ثوابت و سیارات بیان کردند.

- یا جوّشناسانی همچون فلاماریون فرانسوی به کهکشان ها اشاره داشته اند.

- یا آنچه گالیله در نظراتش تقریر کرده است، یا ابونصر فارابی در کتبش و ابوریحان بیرونی در کتاب ماللهند خود به پاره ای از اسرار کائنات پرداخته‌اند. همه و همه در جوّ لایتناهی و کائنات به غور پرداخته‌اند.

دانشمند علامه استاد سیدعلی موسوی پس از بیان نام دانشمندان به نکته ظریفی اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: در زندگی‌نامه بسیاری از علما و دانشمندان دیده‌ایم که آن‌ها که علم را از گذر روحانیت و جذبه‌های روحانیتش به مادیت منتقل نمودند و بر آن بودند که علم را در قالب پدیده‌های مادی معرفی کنند این کاوش آن‌ها موجب بیگانگی آن‌ها از خود شد. به این معنی که آن‌ها از خود می‌پرسیدند «پایان کار به کجا می‌رسد؟» به‌خصوص کسانی مانند «فوئرباخ» که پیرو مکتب اگزیستانسیالیسم بودند هنگامی که در این زمینه به تحقیق رفتند به دیواره ناامیدی رسیدند و در کنار این دیواره به زانو درآمدند. در حالی که علم الهی و روحانی که به معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی می‌پردازد اثر آن روشن‌گرایی جسم و جان انسان است.

در اینجا بجاست که به بخشی از زندگی ابوریحان بیرونی مثال بزنیم. ابوریحان محمدبن احمد بیرونی (427-352هـ) دانشمند و ریاضی‌دان، ستاره‌شناس و طبیعی‌دان بزرگ ایران بود که در عین حال در علوم حکمت نیز متبحر و معلم علم الهی و اخلاق به شمار می‌رفت اما زمانی که به علم پدیده و ماده فرو رفت به تدریج به سوی بیگانگی از خویش سوق پیدا نمود.

ابوریحان گوید شبی در حال مطالعه و بررسی بودم و از علمی که در آن غور می‌کردم خسته بودم. صدایی شنیدیم که به من گفت «فلانی! می‌دانی علت اینکه علم این‌گونه تو را به خستگی می‌برد چیست؟» بیانی برای جواب نداشتم. بار دیگر صدا به گوشم رسید که فلانی، علت خستگی‌ها از نفرت هاست. چون علم به تنهایی خسته‌کننده است به‌خصوص علمی که در پدیده ماده باشد، مگر اینکه در این علم موج باشد.

درواقع، اگر یک عالم و محقق، به‌خصوص آنکه در دایره آفریده‌های آفریدگار در پی کشف و بررسی است، در تحقیقات خود موج کمال و شور و صفا نداشته باشد، علم او خسته‌کننده خواهد بود. در حال به وی با زبان حال و مقال بیان شد که برای دریافت علم لازم است به سوی جلوه و فایده علم بروی نه نفس علم؛ علمت را در ولایت حقه الهیه به رقص آور.

منبع: رساله واجب الوجود بارقه (۱) و (4) ذیل تدریس جلد ششم اسفار محقق و فیلسوف متأله استاد سیدعلی موسوی